

بررسی و تحلیل علل بیکاری دانش‌آموختگان (دیدگاه‌های مدیران بنگاه‌ها، دانشگاه‌ها و دانش‌آموختگان)

تحقیق حاضر در زمینه «بررسی و تحلیل علل بیکاری دانش‌آموختگان (دیدگاه‌های مدیران بنگاه‌ها، دانشگاه‌ها و دانش‌آموختگان» و با هدف آزمون پنج فرضیه که حاکی از وجود رابطه بین بیکاری دانش‌آموختگان و عوامل آموزشی، عوامل فرهنگی - اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل مدیریتی و عوامل سیاسی است، انجام گردیده است.

جمعیت نمونه این پژوهش را ۵۸۲ نفر (۱۴۴ نفر دانشگاهیان، ۱۰۰ نفر مدیران بنگاه‌ها، ۱۷۲ نفر دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و ۱۶۶ نفر دانش‌آموختگان شاغل در بنگاه‌ها) تشکیل می‌دهند. انتخاب نمونه برای انجام این تحقیق به روش تصادفی بوده است. اطلاعات لازم برای آزمون فرض‌ها از طریق پرسشنامه به دست آمد. سؤالات پرسشنامه از نوع بسته و پنج گزینه‌ای بوده است. علاوه بر سؤالات بسته، ۵ سؤال باز نیز برای اعلام دیدگاه‌های افراد نمونه در پرسشنامه گنجانیده شد. اعتبار پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شده و روایی آن از نوع روایی محتوی می‌باشد.

محاسبات آماری این پژوهش با استفاده از برنامه^۱ CSS برای شاخص‌های آماری میانگین، انحراف معیار، آزمون F و تحلیل واریانس انجام شد.

محاسبات انجام شده در این پژوهش نتایجی به شرح زیر نشان داد:

— از دیدگاه گروه نمونه بین عوامل پنج‌گانه و مسئله بیکاری دانش‌آموختگان رابطه وجود دارد.

— گروه نمونه در ۴۸ عامل از ۵۰ عامل مورد بررسی نظر خود را مبنی بر وجود رابطه بین آن عامل‌ها و مسئله بیکاری دانش‌آموختگان ابراز داشته است.

— ساختار اولویت‌های اعلام شده در مورد عوامل موثر بر بیکاری دانش‌آموختگان در دو گروه فرعی نمونه (دانشگاهیان و مدیران بنگاه‌ها) یکسان و به ترتیب عبارتند از عوامل مدیریتی، عوامل اقتصادی، عوامل آموزشی، عوامل سیاسی و عوامل فرهنگی – اجتماعی بود.

— در گروه نمونه دانش‌آموختگان اولویت‌های عوامل موثر بر بیکاری دانش‌آموختگان عبارتند از عوامل مدیریتی، عوامل اقتصادی، عوامل آموزشی، عوامل فرهنگی – اجتماعی و عوامل سیاسی بود.

در انتها محقق با توجه به نتایج حاصل، پیشنهاداتی ارائه نموده است.

آموزش محرکی قوی جهت ایجاد تحول اجتماعی است، که به طور بالقوه موقعیت‌های برابر برای افراد به وجود می‌آورد و آنان را برای تحرک شغلی و استفاده هر چه بیشتر از استعدادهایشان آماده می‌سازد. ولی کارکرد نظام آموزشی در ایفای این نقش در سال‌های اخیر به دلیل آن که بیکاری و کم‌کاری به میزان نگران‌کننده‌ای رسیده است و تحصیل‌کردگان به نحو فزاینده‌ای بر صفوف بیکاران می‌پیوندند قابل تردید است.

اگر چه مسئله بیکاری با توجه به تبعات آن در ناهنجاری‌های اقتصادی – اجتماعی و فرهنگی برای کلیه آحاد جمعیت کشور آزار دهنده و برای اقتصاد کشور باز دارنده است. با این حال بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهها از حساسیت و ضریب اهمیتی دو چندان برخوردار است. این اهمیت به دلیل سرمایه‌گذاری انجام شده برای تربیت نیروی انسانی ماهر در کشور و بلااستفاده ماندن آن در فعالیت‌های اقتصادی و وارد ساختن خسارت به اقتصاد ملی از یکسو، فراهم نبودن زمینه برای محول کردن نقش‌های اجتماعی به افراد فرهیخته برای نیل به اهداف توسعه کشور از دگرسو و در عین حال امکان بروز اعتراض و عکس‌العمل در جامعه به سبب باسوادی و آگاهی بیشتر است.

پدیده بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی در حدود اوایل دهه ۱۳۷۰ در کشور بروز کرده و هر ساله شدیدتر شده است. ادامه روند فعلی نیز چشم‌انداز اشتغال آینده این گروه را تیره‌تر می‌نمایاند. این پیش‌بینی و استدلال‌های مربوط به حساسیت بیکاری این گروه، لزوم برنامه‌ریزی اصولی و تدوین سیاست‌های دقیق برای تنظیم عرضه و تقاضای نیروی انسانی متخصص را برای توجه بیشتر مسئولان و برنامه‌ریزان، مورد تأکید قرار داده است.

تحقق این امر نیازمند تولید اطلاعات و پردازش آن برای شناخت واقعیت‌های درونی است و عنصر پژوهش در کلیه ابعاد آن می‌تواند در تولید این اطلاعات، پردازش آن و چگونگی بکارگیری آن نقش کلیدی بازی کند. این مقاله با درک چنین رسالتی تهیه شده است. مطالب ذکر شده در این مقاله با هدف در نظر قرار دادن مباحث نظری علل بیکاری دانش‌آموختگان و اخذ دیدگاه سه گروه دانشگاهیان، مدیران بنگاه‌ها و دانش‌آموختگان در این مورد آغاز شده است.

هدف از انجام این بررسی، شناسایی عوامل موثر بر بیکاری دانش‌آموختگان از ابعاد آموزشی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و سیاسی به منظور جلب توجه و هدایت مسئولان و تصمیم‌گیران به سوی اتخاذ سیاست‌های درست و به جا برای پیشگیری از تشدید و فراگیر شدن بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در سال‌های آتی است. در این مطالعه علل بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از دیدگاه سه گروه دانشگاهیان، مدیران بنگاه‌ها و دانش‌آموختگان به عنوان افراد مداخله‌گر در آموزش عالی و بازار کار مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

فرضیه‌های این تحقیق برای آزمون عبارتند از:

- از دیدگاه گروه نمونه بین عوامل آموزشی و بیکاری دانش‌آموختگان رابطه وجود دارد.
- از دیدگاه گروه نمونه بین عوامل فرهنگی - اجتماعی و بیکاری دانش‌آموختگان رابطه وجود دارد.
- از دیدگاه گروه نمونه بین عوامل اقتصادی و بیکاری دانش‌آموختگان رابطه وجود دارد.
- از دیدگاه گروه نمونه بین عوامل مدیریتی و بیکاری دانش‌آموختگان رابطه وجود دارد.
- از دیدگاه گروه نمونه بین عوامل سیاسی و بیکاری دانش‌آموختگان رابطه وجود دارد.

علاوه بر آزمون فرضیه‌های فوق‌الذکر، این تحقیق درصدد پاسخگویی به سئوالات زیر نیز است:

— علل بیکاری از دیدگاه دانشگاهیان کدام است و اولویت‌های آنها نسبت به یکدیگر چگونه است؟

— به نظر مدیران بنگاه‌ها چه عواملی موجب بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شده است؟

— عوامل مسبب بیکاری فارغ‌التحصیلان از نظر دانش‌آموختگان کدام است؟

— چه تفاوت‌ها (و یا چه همبستگی) بین دیدگاه‌های این سه گروه یعنی مدیران بنگاه‌ها به عنوان متقاضی نیروی انسانی متخصص، دانشگاهیان به عنوان کسانی که رسالت تربیت نیروی انسانی متخصص را عهده‌دار هستند و فارغ‌التحصیلان به عنوان افرادی که عمر خود را صرف آموزش عالی به امید مشارکت در بازار کار کرده‌اند، وجود دارد.

واژگان کلیدی این پژوهش به منظور نظم فکری با خواننده به شرح زیر تعریف می‌شود:

() : آمادگی ذهنی برای عمل و موضع‌گیری نسبت به چیزی است که بازتابی اجتماعی دارد و به صورت موافقت یا مخالفت با آن چیز (در اینجا عوامل موثر در بیکاری) ابراز می‌شود.

: اعتقاد و تمایل رفتاری فرد نسبت به یک محرک اجتماعی خاص و یا تمایل نسبتاً ثابت فرد برای عمل کردن به شیوه معین و خاص نسبت به موضوع‌هایی خاص تعریف می‌شود.

: فردی است که در استخدام رسمی، پیمانی و حق‌التدریس یک مرکز آموزش عالی است و به طور تمام وقت و نیمه وقت ساعات کار روزانه خود را در آن مرکز به تدریس و تحقیق (و اداره امور در سطح مدیریت دانشگاه و معاونت) می‌گذراند.

: کسی است که هماهنگ کننده و تلفیق کننده عوامل و منابع تولید است که شامل بنگاهها در سطح دولتی، غیردولتی و تعاونی از یک سو و خدمات، صنعت و کشاورزی از دگر سو است.

() : منظور از فارغ التحصیل فردی است که دروس و واحدهای تحصیل و پایان نامه مورد لزوم را برای اتمام یک دوره تحصیلی آموزش عالی به پایان رسانیده باشد.

: فعالیتی است دائمی که به تولید کالا و یا خدمات منجر می شود و برای اجرای آن دستمزدی در نظر گرفته می شود و یا به کسب درآمدی منتهی می گردد.

: کسانی هستند که در زمان بررسی و یا یک هفته قبل از آن دارای هیچ گونه شغل رسمی و غیررسمی نبوده و در جستجوی کار باشند و از شرایط نسبی لازم برخوردار باشند.

روش تحقیق این بررسی، «روش تحقیق توصیفی»^۱ است. این نوع از مطالعات تجربی نیستند، زیرا با روابط میان متغیرهای دست کاری نشده در موقعیت های طبیعی و نه موقعیت های ساختگی سر و کار دارند. از آنجایی که وقایع یا شرایط در این روش تحقیق قبلاً اتفاق افتاده اند یا هم اکنون موجودند، پژوهشگر صرفاً متغیرهای مناسب را برای تحلیل روابط آنها انتخاب می کند.

یکی از مشخصات این نوع از مطالعات، ساختن و آزمون فرضیه ها (حکم، بیان رسمی یا توضیح آزمایشی رابطه بین دو یا چند متغیر) است. بنابراین در این مطالعه نیز ضمن ساختن فرضیه ها، «روش علی یا پس از وقوع»^۲ بکار گرفته می شود. هدف از این روش بررسی امکان روابط علت و معلولی از طریق مطالعه نتایج موجود و زمینه های قبلی و یا جمع آوری نظرات به امید یافتن علت عمل انجام شده است.

همان طوری که ذکر شد ویژگی تحقیق علی، بررسی علل، پس از وقوع آنها است. در این روش اطلاعات لازم جهت بررسی علل وقوع یک پدیده هنگامی جمع آوری می شود که آن پدیده رخ داده است، بنابراین پژوهشگر هیچ گونه دخالتی در بروز آن نداشته است بلکه او یک

1 - Descriptive Research.

2 - Causal _ Comparative research.

یا چند اثر (عمل انجام شده یا متغیر وابسته) را انتخاب کرده و با مطالعه زمینه و شرایط قبلی درصدد جستجوی علل یا روابطی (متغیر مستقل) برای وقوع آن پدیده است.

جمعیت نمونه این تحقیق را ۵۸۲ نفر تشکیل می‌دهند. انتخاب جمعیت نمونه از جامعه آماری به روش نمونه تصادفی طبقه‌ای بوده است. تعداد دانشگاهیان ۱۴۴ نفر بود. این گروه شامل روسای دانشگاهها، معاونین و اعضای هیات علمی شاغل در دانشگاههای دولتی - حضوری، دولتی - نیمه حضوری، غیردولتی و مراکز آموزش عالی وابسته به دستگاههای اجرایی (۱۷ دانشگاه) است. تعداد مدیران بنگاهها ۱۰۰ نفر پیش‌بینی شد. این تعداد شامل مدیران شاغل در بخش‌های دولتی، غیردولتی و تعاونی از یکسو و خدمات، صنعت و کشاورزی از سوی دیگر (۲۹ بنگاه) بود. انتخاب گروه نمونه دانش‌آموختگان خود شامل دو گروه فرعی بود نخست گروه دانش‌آموختگان دانشگاهها به تعداد ۱۷۲ نفر، دوم دانش‌آموختگان شاغل در بنگاهها به تعداد ۱۶۶ نفر. قابل ذکر است تعداد جمعیت نمونه ۶۰۰ نفر تعیین شده بود که علیرغم پیش‌بینی‌های انجام شده در حد ۵۸۲ نفر محقق گردید (جدول ۱).

:

۲۲۶	۱۲۲	۱۰۴	دولتی - حضوری
۱۹	۹	۱۰	دولتی - نیمه حضوری
۷۱	۴۱	۳۰	غیردولتی
۳۱۶	۱۷۲	۱۴۴	جمع
۹۸	۶۲	۳۶	دولتی
۹۶	۶۲	۳۴	غیردولتی
۷۲	۴۲	۳۰	تعاونی
۲۶۶	۱۶۶	۱۰۰	جمع
۵۸۲	۳۳۸	۲۴۴	جمع کل

برای گردآوری داده‌های مورد نیاز این گزارش از پرسشنامه استفاده شد. سؤالات قسمت اول پرسشنامه را سؤوال‌های مشخصه‌ای تشکیل می‌دهد. هدف از این سؤالات دستیابی به اطلاعاتی در مورد ویژگی‌های پاسخگویان است. پرسش‌های این قسمت برای سه گروه جمعیت نمونه یعنی «دانشگاهیان»، «دانش‌آموختگان» و «مدیران بنگاه‌ها» متفاوت است. در پرسشنامه دانشگاهیان علاوه بر مشخصات عمومی (جنس و وضعیت تاهل) پست عضو هیات علمی در دانشگاه، رتبه علمی او، گروه تخصصی و محل اشتغال آنان به وسیله گزینه‌های مختلف مورد سؤوال قرار گرفته است. در مورد دانش‌آموختگان سؤالات چندگزینه‌ای مربوط به این قسمت، مقطع تحصیلی، گروه تخصصی، نوع دانشگاه محل تحصیل، سال فراغت از تحصیل و وضعیت اشتغال را شامل بوده است و در مورد مدیران بنگاه‌ها وضعیت تحصیلات دانشگاهی، دانشگاه محل تحصیل و بخشی که در آن اشتغال دارند، آمده است. تعداد گزینه‌های مربوط به سؤالات این قسمت بین ۲ تا ۶ گزینه متغیر است.

قسمت دوم سؤالات پرسشنامه را سؤالات اعتقادی تشکیل می‌دهد. سؤوال‌های اعتقادی برای پی‌بردن به عقاید افراد و نه تعیین درستی یا نادرستی عقاید آنها طرح می‌شود. این سؤالات در پنج بعد اصلی (فرضیه‌های تحقیق) طراحی گردیده است. سپس برای هر محور، ابعاد فرعی و در نهایت گویه‌ها (سؤالات) تنظیم شده است. تعداد سؤالات مربوط به ابعاد اصلی این پرسشنامه به قرار زیر است:

— عوامل آموزشی	۱۳ گزینه
— عوامل فرهنگی و اجتماعی	۱۳ گزینه
— عوامل اقتصادی	۱۲ گزینه
— عوامل مدیریتی	۷ گزینه
— عوامل سیاسی	۵ گزینه

مقیاس اندازه‌گیری سؤالات بسته این پرسشنامه طیف لیکرت با مقیاس‌های مدرج پنج گزینه‌ای است. در این شیوه کلی، گزاره‌هایی به پاسخگویان ارائه شده و از آنها خواسته شده است که شدت موافقت یا مخالفت خود را مشخص نمایند. استخراج اطلاعات مربوط به این سؤالات از طریق مکانی که برای کدگذاری در پرسشنامه پیش‌بینی شده است و براساس کد نامه تنظیم شده، انجام شده است.

علاوه بر سؤالات بسته مذکور، برای هر یک از ابعاد اصلی این پرسشنامه، یک سؤال بازنیر برای آنکه پاسخگویان پاسخ خودشان را هر گونه که مایلند، بیان کنند، طراحی شده است. به دلیل عدم امکان کدگذاری این سؤالات، پاسخ مربوط به این پنج سؤال باز به طور جداگانه فهرست گیری، طبقه‌بندی و مورد تحلیل قرار گرفته است.

اعتبار عبارت است از ثبات یا هماهنگی^۳، قابلیت اعتماد^۴، پایایی^۵ و مقصود از اعتبار یک وسیله سنجش آن است که اگر خصیصه مورد نظر را با همان وسیله (یا وسیله مشابه و قابل مقایسه با آن) تحت شرایط مشابه دوباره اندازه بگیریم، نتایج حاصل تا چه حد مشابه، دقیق و قابل اعتماد است. یک وسیله معتبر آن است که دارای ویژگی تکرارپذیری^۶ و باز پدیدآوری^۷ باشد، یعنی بتوان آن را در موارد متعدد به کار برد، و در همه موارد نتایج یکسان تولید کند. روش‌های متعددی برای محاسبه همبستگی و برآورد ضریب اعتبار (اجرای یک فرم واحد از ابزار سنجش در دوبار با فاصله زمانی و بدون فاصله زمانی، اجرای دو فرم موازی از یک وسیله با فاصله زمانی و بدون فاصله زمانی، روش دو نیمه کردن، استفاده از فرمول کودر - ریچاردسون^۸ و استفاده از ضریب آلفای کرونباخ^۹) وجود دارد.

میزان اعتبار پرسشنامه این تحقیق از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ که محاسبه آن مستلزم یکبار اجرای وسیله سنجش و تعمیم فرمول کودر - ریچاردسون است، تعیین گردیده است. این ضریب برای کل پرسشنامه به تفکیک چهار گروه و در هر چهار گروه به تفکیک هر سؤال مورد محاسبه قرار گرفته است. میزان اعتبار ابزار اندازه‌گیری این پژوهش در گروه اول (مدیران بنگاهها) برابر ۰/۹۰۱، در گروه دوم (دانشگاهیان) معادل ۰/۸۹۴، در گروه

1- Reliability.

2- Validity.

3 -Consistency.

4- Dependability.

5- Stability.

6- Predictability.

7- Reproducibility.

8- Kuder _ Richardsin.

9- Cronbach's Alpha Coefficient.

سوم (فارغ التحصیلان دانشگاهها) برابر ۰/۹۰۶ و در گروه چهارم (فارغ التحصیلان شاغل در بنگاهها) معادل ۰/۸۹۲ بوده است. میزان این ضریب برای کل فارغ التحصیلان (۳۳۸ نفر) برابر ۰/۹۰۰ است. با توجه به این که مقادیر محاسبه شده برای ۵۰ سؤال در هر چهار گروه فراتر از عدد ۰/۸۰ - ۰/۷۵ است. لذا ابزار اندازه گیری این پژوهش از اعتبار لازم برای اجرا در گروه نمونه برخوردار است. میزان ضریب آلفای کرونباخ برای تک تک سؤالات و میزان همبستگی هر سؤال با کل پرسشنامه برای حذف احتمالی سؤالاتی که دارای ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از کل پرسشنامه هستند و همچنین تشخیص سؤالات هماهنگ تر به تفکیک چهار گروه محاسبه شد.

مقصود از روایی آن است که وسیله اندازه گیری در واقع بتواند خصیصه مورد نظر را اندازه گیری نماید و نه خصیصه دیگری را. به عبارت دیگر روایی یک وسیله را می توان مناسب بودن^۱، مربوط بودن^۲ بامعنا بودن^۳ و مفید بودن^۴ استنباطهای خاصی که از روی نمره های آن به عمل می آید تعریف کرد. به منظور تایید این گونه استنباطها لازم است شواهدی گردآوری شود. برای گردآوری شواهد روایی ابزار پژوهش راههای مختلف و متعددی (روایی صوری یا ظاهری^۵، روایی محتوی^۶، روایی پیش بینی^۷، روایی همزمان^۸، روایی سازه^۹) وجود دارد [۱].

روایی پرسشنامه حاضر از نوع روایی محتوی می باشد. در این نوع روایی شواهد وابسته به محتوا نشان می دهد که نمونه سؤالها، تکالیف، یا پرسشهای وسیله سنجش تا چه حد معرف مجموعه کلی^{۱۰} یا حیطه ای از محتوی مشخص و قبلاً تعریف شده است. برای این نوع روایی معمولاً محتوی ابزار اندازه گیری در اختیار چند داور برای اظهار نظر قرار می گیرد تا معلوم شود که تست مذکور تا چه حد معرف و منعکس کننده خصیصه مورد مطالعه است.

1- Appropriateness.

2- Relevancy.

3- Meaning Fulness.

4- Usefulness.

5- Face Validity.

6- Content Validity..

7- Predictive Validity

8- concurrent validity..

9- Construct Validity.

10- Universe.

محتوی پرسشنامه اولیه تدوین شده توسط محقق برای تعیین روائی آن، در اختیار دو جامعه شناس متخصص، دو اقتصاددان با تجربه، دو متخصص امور آموزشی قرار گرفته است و در نهایت، نتیجه حاصل از نظرات ارائه شده از سوی افراد مذکور، در اختیار یک استاد جامعه شناس متخصص و با تجربه در امر نظریه سنجی در سطح کشور (با توجه به ماهیت این تحقیق) قرار گرفت و از نظر ایشان تایید نهایی گردید.

پس از اجرای پرسشنامه‌ها در گروه نمونه، کدگذاری آنها، استخراج اطلاعات و پانچ و انتقال آن بر روی کامپیوتر انجام شد. سپس محاسبات آماری (توصیفی و استنباطی) با استفاده از برنامه^۱ CSS برای شاخص‌های آماری توزیع فراوانی، میانگین، انحراف معیار، آزمون F و تحلیل واریانس^۲ انجام شد.

محاسبه میانگین برای تعیین اولویت (یا قوت) هر عامل (۵۰ عامل) و مجموعه عوامل (آموزشی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، مدیریتی و سیاسی) در هر گروه محاسبه شد. میزان پراکندگی پاسخ‌های گروه نمونه به هر سؤال از طریق محاسبه انحراف استاندارد امکان پذیر شد. تحلیل واریانس برای تعیین تفاوت بین میانگین‌های گروه‌های نمونه بکار گرفته شد. محاسبه آن سبب گردید تا امکان قضاوت در مورد اینکه آیا تفاوت بین میانگین نمونه‌ها از خطای نمونه‌گیری ناشی می‌شود یا خیر؟ فراهم گردد. برای این امر علاوه بر محاسبه واریانس درون گروه‌ها که نشان دهنده خطای نمونه‌گیری در توزیع‌ها است و واریانس بین گروه‌ها که تاثیر متغیر مورد نظر یا متغیر مورد آزمایش را نشان می‌دهد، نسبت F نیز که از تقسیم واریانس بین گروه‌ها بر واریانس درون گروه‌ها حاصل می‌شود، محاسبه شد.

محدودیت‌ها و تنگناهای این تحقیق که توجه به آنها در استفاده از نتایج این بررسی باید مورد نظر قرار گیرد به قرار زیر است:

1- Complete Statistical System.

2- Analysis of Variance.

۱- هر گاه جامعه مورد بررسی از ابعاد مختلف قابل طبقه‌بندی باشد، بهتر است جامعه را به گروه‌های کوچکتر همگن تقسیم نمود تا نمونه‌ای که معرف دقیقتر جامعه است، انتخاب شود. زیرا یک نمونه واقعی شامل افرادی است که به نسبت جمعیت هر یک از طبقات متعلق به سطوح مختلف انتخاب می‌شوند و لذا در این نوع نمونه‌گیری‌ها (نمونه تصادفی طبقه‌ای) آنچه حائز اهمیت است مشخصات تمامی جامعه همراه با هدف‌های دقیق تحقیق است. در دو طبقه جامعه آماری این تحقیق یعنی دانشگاهیان و مدیران بنگاه‌ها انتخاب جمعیت نمونه با اندکی محدودیت انجام شده است. انتخاب نمونه در گروه اول به دلیل تعدد مبانی برای تفکیک جامعه به گروه‌های مختلف (گروه تخصصی، رتبه علمی، بخش آموزش عالی، نوع مرکز آموزش عالی، پست هیات علمی) و در گروه دوم به دلیل عدم دستیابی به تمامی مشخصات جامعه (با در نظر گرفتن هدف تحقیق) با لحاظ کردن کلیه شاخص‌های ممکن برای طبقه‌بندی (و نه تمام آنها) برای تشابه جمعیت نمونه با جامعه آماری خود انجام شده است.

۲- محدودیت جمعیت نمونه مدیران بنگاه‌ها و دانشگاه‌های پیام نور و آزاد اسلامی به شهر تهران.

۳- عدم دستیابی به اطلاعات کافی برای شناخت کامل جمعیت مدیران بنگاه‌ها.

:

یافته‌های این پژوهش براساس مراحل طی شده، محاسبات کمی و محدودیت‌های ذکر شده عبارتند از:

۱- از دیدگاه گروه نمونه بین عوامل آموزشی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و سیاسی و بیکاری دانش‌آموختگان ارتباط وجود دارد. دانشگاهیان اعتقاد بیشتری به تاثیر عوامل مذکور داشته‌اند.

۲- ترتیب اهمیت یا تاثیر عوامل پنج‌گانه بر مسئله بیکاری دانش‌آموختگان در گروه‌های دانشگاهیان و مدیران بنگاه‌ها یکسان و به ترتیب عبارتند از عوامل مدیریتی، اقتصادی، آموزشی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی بود. ساختار اولویت‌های اعلام شده در مورد عوامل موثر بر بیکاری دانش‌آموختگان از سوی گروه فارغ‌التحصیلان عبارتند از عوامل مدیریتی، عوامل اقتصادی، عوامل آموزشی، عوامل فرهنگی - اجتماعی و عوامل سیاسی است.

۳- بررسی دیدگاه گروه نمونه براساس میانگین پاسخ‌های اعلام شده نشان می‌دهد که بالاترین میزان میانگین محاسبه شده در عوامل آموزشی به گروه دانشجویان، در عوامل مدیریتی به مدیران بنگاهها و در عوامل فرهنگی - اجتماعی به گروه دانش‌آموختگان اختصاص داشته است. این نتیجه را می‌توان این گونه تحلیل کرد که هر یک از گروهها به دلیل آشنایی و نزدیکی با عامل‌های وابسته به عوامل مذکور، اعتقاد بیشتری نسبت به تاثیر این عامل‌ها در مسئله بیکاری دانش‌آموختگان پیدا کرده‌اند (جدول ۲).

۱	آموزشی	۱۳	۳/۶۷۸	۳/۶۵۱	۳/۶۲۲
۲	فرهنگی - اجتماعی	۱۳	۳/۵۸۰	۳/۵۰۹	۳/۵۸۹
۳	اقتصادی	۱۲	۳/۹۸۴	۳/۹۹۹	۳/۹۵۷
۴	مدیریتی	۷	۴/۲۵۲	۴/۳۲۷	۴/۱۵۷
۵	سیاسی	۵	۳/۶۴۶	۳/۵۴۴	۳/۵۸۸
	کل	۵۰	۳/۸۲۸	۳/۸۰۶	۳/۷۹۱

۴- از ۵۰ عامل مورد بررسی، گروه نمونه به تاثیر ۴۸ عامل اعتقاد داشته و دو عامل «افزایش نرخ مشارکت زنان در نیروی کار متخصص» و «حمایت خانواده‌ها از دانش‌آموختگان» را فاقد تاثیر بر مسئله بیکاری دانش‌آموختگان اعلام داشته است.

۵- دیدگاه گروه نمونه در مورد ۱۳ عامل ذکر شده تحت عنوان «عوامل آموزشی» در جداول ۳ و ۴ منعکس گردیده است. همان طوری که اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد میانگین پاسخ‌های ارائه شده در مورد کلیه عامل‌های مربوط به این گروه (عوامل آموزشی) در چهار گروه نمونه بالاتر از ارزش کمی گزینه متوسط (۳) می‌باشد این امر بیانگر آن است که از نظر چهار گروه فرعی نمونه یعنی دانشجویان، مدیران بنگاهها، دانش‌آموختگان دانشگاهها و دانش‌آموختگان شاغل در بنگاهها موارد ذکر شده تحت عنوان عامل‌های آموزشی، بر مسئله بیکاری فارغ‌التحصیلان می‌تواند تاثیر داشته باشد.

علاوه بر این دیدگاه عمومی، بررسی دیدگاه گروه نمونه از نظر رتبه‌بندی ۱۳ عامل آموزشی موثر بر مسئله بیکاری فارغ‌التحصیلان (جدول ۴) نشان می‌دهد که «توسعه کمی دانشگاهها بدون توجه به کیفیت» اولین عامل موثر بر مسئله بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از نظر چهار گروه فرعی نمونه است. به عبارت دیگر میانگین پاسخ‌های اعلام شده در مورد این عامل از سوی چهار گروه فرعی نمونه بالاتر از مقدار کمی گزینه زیاد (۴) است. بالاترین میزان این میانگین به گروه مدیران بنگاهها (۴/۲۸) و پایین‌ترین آن به گروه دانش‌آموختگان دانشگاهها (۴/۰۴) اختصاص دارد. پس از عامل مذکور، عامل‌های مربوط به «عدم انطباق میان رشته‌های آموزشی و دانش مورد نیاز بازار کار»، «کافی نبودن واحدهای کارورزی»، «ضعف مهارت‌های حرفه‌ای دانش‌آموختگان» و «کثرت دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و علوم پایه» حائز بالاترین اولویت‌ها از دیدگاه گروه نمونه بوده‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که مهمترین عوامل آموزشی موثر بر بیکاری دانش‌آموختگان در مقاطع آموزش عالی از دیدگاه گروه نمونه را می‌توان در دو عامل عمده «توسعه کمی و بی‌رویه دانشگاهها بدون توجه به کیفیت آنها» و «مناسب نبودن محتوای آموزش‌ها با نیازمندی‌های بازار کار» طبقه‌بندی کرد. قابل ذکر است که از دیدگاه گروه نمونه عوامل مربوط به «گزینش دانشجویان» و «سطح علمی پذیرفته‌شدگان» و همچنین عامل «پایین بودن صلاحیت علمی کادر آموزشی دانشگاهها» در بین عوامل مورد بررسی دارای کمترین میزان تاثیر بر مسئله بیکاری فارغ‌التحصیلان بوده‌اند. اتفاق نظر گروه نمونه دانشگاهیان در مورد دادن رتبه آخر (سیزدهم) به عامل «پایین بودن صلاحیت علمی کادر آموزشی دانشگاهها» و گروه نمونه دانش‌آموختگان دانشگاهها در مورد عامل «پایین بودن سطح علمی پذیرفته‌شدگان آموزش عالی» به عنوان آخرین عامل موثر بر بیکاری فارغ‌التحصیلان و افتراق این دیدگاهها با دیدگاه مدیران بنگاهها در مورد دادن اولویت هشتم به عامل «پایین بودن سطح صلاحیت علمی کادر آموزشی دانشگاهها» و رتبه نهم به عامل «پایین بودن سطح علمی پذیرفته‌شدگان آموزش عالی» به عنوان عوامل آموزشی تاثیرگذار بر مسئله بیکاری فارغ‌التحصیلان قابل توجه است.

۳/۳۷	۳/۵۰	۳/۱۰	۳/۳۵	ضعف نظام گزینش دانشجو	۱
۴/۰۴	۴/۰۰	۳/۸۶	۴/۰۲	عدم انطباق میان رشته‌های آموزشی و نیاز بازار کار	۲
۳/۷۷	۳/۷۶	۳/۹۱	۳/۸۲	ثبات برنامه‌های آموزشی در مقابل تحولات اقتصادی و اجتماعی	۳
۳/۳۷	۳/۴۸	۳/۳۸	۳/۲۰	مشکل بودن برآوردهای مربوط به نیازهای آموزشی برنامه‌های توسعه	۴
۳/۰۶	۳/۳۷	۳/۳۵	۳/۰۹	پایین بودن صلاحیت علمی‌کادر آموزشی دانشگاهها	۵
۳/۷۱	۳/۶۵	۳/۶۹	۳/۶۷	کافی نبودن تجهیزات و مواد مورد نیاز آموزشی - پژوهشی	۶
۴/۱۵	۴/۰۴	۴/۲۸	۴/۱۳	توسعه کمی دانشگاهها بدون توجه به کیفیت	۷
۳/۲۸	۳/۲۶	۳/۲۶	۳/۲۴	پایین بودن سطح علمی پذیرفته شدگان آموزش عالی	۸
۳/۲۱	۳/۵۱	۳/۲۳	۳/۷۳	عدم تبعیت بخش غیردولتی از سیاست‌های آموزش عالی	۹
۳/۸۱	۳/۸۴	۳/۹۰	۳/۹۳	کثرت دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و علوم پایه	۱۰
۴/۰۱	۳/۷۲	۳/۹۱	۳/۹۵	ضعف مهارت‌های حرفه‌ای دانش‌آموختگان	۱۱
۴/۰۵	۳/۷۷	۳/۹۱	۳/۹۱	کافی نبودن واحدهای کارورزی در رشته‌های تحصیلی	۱۲
۳/۶۹	۳/۶۸	۳/۶۸	۳/۷۱	حاکم نبودن نظام ارزیابی و اعتبارسنجی در مراکز آموزش عالی	۱۳

:

۹	۱۰	۱۱	۱۰	ضعف نظام گزینش دانشجو	۱
۳	۲	۴	۲	عدم انطباق میان رشته‌های آموزشی و دانش مورد نیاز بازار کار	۲
۶	۵	۲	۶	ثبات برنامه‌های آموزشی و شیوه‌های آموزش در کلیه دانشگاهها و همسو نبودن آنها با تحولات اقتصادی - اجتماعی	۳
۹	۱۱	۷	۱۲	مشکل بودن برآوردهای مربوط به نیازهای آموزشی برنامه‌های توسعه	۴
۱۲	۱۲	۸	۱۳	پایین بودن سطح صلاحیت علمی کادر آموزشی دانشگاهها	۵
۷	۸	۵	۹	کافی نبودن تجهیزات و مواد مورد نیاز آموزشی - پژوهشی	۶
۱	۱	۱	۱	توسعه کمی دانشگاهها بدون توجه به کیفیت	۷
۱۰	۱۳	۹	۱۱	پایین بودن سطح علمی پذیرفته شدگان آموزش عالی	۸
۱۱	۹	۱۰	۷	عدم تبعیت بخش غیردولتی از سیاست‌های آموزش عالی	۹
۵	۳	۳	۴	کثرت دانش آموخته گان دانشگاه آزاد اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و علوم پایه	۱۰
۴	۶	۲	۳	ضعف مهارت‌های حرفه‌ای دانش آموختگان کافی نبودن واحدهای کارورزی در رشته‌های	۱۱
۲	۴	۲	۵	تحصیلی مختلف (ارتباط با بازار کار ضمن تحصیل)	۱۲
۸	۷	۶	۸	حاکم نبودن نظام ارزیابی و اعتبار سنجی در مراکز آموزش عالی	۱۳

۶- نتایج حاصل از استخراج نظرات اعلام شده از سوی گروه نمونه در مورد چگونگی تاثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی در جداول ۵ و ۶ آورده شده است. همان طوری که اطلاعات مندرج در این جداول نشان می دهد از نظر افراد نمونه، از ۱۳ عامل ذکر شده در این گروه دو عامل، «افزایش مشارکت زنان در نیروی کار متخصص» و «حمایت خانواده ها از دانش آموختگان» عامل های غیر موثر بر مسئله بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی و یازده عامل دیگر از عوامل تاثیر گذار بر مسئله بیکاری دانش آموختگان دانشگاهی، معرفی شده اند. بررسی پاسخ های اعلام شده در مورد ۱۱ عامل دیگر موثر بر بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی نشانگر آن است که از دیدگاه دانش آموختگان دانشگاهها (عمدتاً جویای کار) و دانش آموختگان شاغل در بنگاهها (شاغل شده)، «رعایت روابط در به کار گماری افراد» به جای رعایت ضوابط و مقررات مربوط به جذب نیروی انسانی مهمترین عامل فرهنگی - اجتماعی موثر بر مسئله بیکاری فارغ التحصیلان می باشد. مهمترین عامل موثر از این بعد، از دیدگاه دانشجویان به عامل «مدرک گرایی در بین جوانان» و از دیدگاه مدیران بنگاهها به «فقدان بنیادهای تولیدی برای به کار گماری دانش آموختگان در شهرهای کوچک و روستاها» اختصاص دارد. به طور کلی بررسی نظرات اعلام شده از سوی هر چهار گروه فرعی نمونه حکایت از آن دارد که از نظر آنان سه عامل «مدرک گرایی در بین جوانان»، «فقدان بنیادهای تولیدی برای به کار گماری دانش آموختگان در شهرهای کوچک و روستاها» و «رعایت روابط خویشاوندی در به کار گماری افراد» مهمترین عوامل فرهنگی - اجتماعی تاثیر گذار بر مسئله بیکاری دانش آموختگان است.

از عوامل ذکر شده مرتبط با تحولات مربوط به نرخ مشارکت یعنی «مشارکت زنان»، «ورود مجدد بازنشستگان به بازار کار» و «چند شغلی بودن صاحبان تخصص»، عامل اول فاقد تاثیر، عامل دوم یکی از عوامل تاثیر گذار با اولویت پایین و عامل آخر با تاثیر بیشتر، معرفی شده است. تاثیر عامل اخیر بر مسئله بیکاری فارغ التحصیلان از سوی سه گروه دانشجویان، دانش آموختگان دانشگاهها و دانش آموختگان شاغل در بنگاهها به عنوان چهارمین عامل و از نظر مدیران بنگاهها به عنوان هفتمین عامل موثر ذکر شده است.

همچنین تاثیر عامل های مربوط به قوانین (قانون کار و قانون تامین اجتماعی) از سوی جامعه نمونه اولویتی بین شش تا هشت را در بین ۱۳ عامل معرفی شده در این گروه، اخذ نموده است.

۳/۹۶	۴/۲۷	۴/۰۶	۴/۲۳	مدرک گرایی	۱
۳/۳۹	۳/۵۲	۳/۶۲	۳/۶۸	زیاده‌خواهی دانش‌آموختگان که حاضر نمی‌شوند به هر شغلی تن در دهند.	۲
۴/۲۵	۴/۰۸	۴/۱۷	۴/۲۰	فقدان بنیادهای تولیدی در شهرهای کوچک و روستاها	۳
۳/۵۹	۳/۶۶	۳/۶۶	۳/۵۶	اطلاع ناکافی از چگونگی فرصت‌های شغلی	۴
۳/۷۱	۳/۵۰	۳/۵۴	۳/۵۷	توسعه نیافتگی فرهنگ تعاونی در کشور	۵
۳/۷۵	۴/۰۴	۳/۵۳	۳/۷۹	چندشغلی بودن صاحبان تخصص	۶
۳/۳۷	۳/۴۴	۳/۰۶	۳/۳۴	ورود مجدد بازنشستگان به بازار کار	۷
۴/۳۴	۴/۳۱	۱/۴	۴/۱۲	رعایت روابط خویشاوندی در به کارگیری افراد	۸
۳/۴۴	۳/۴۶	۳/۴۷	۳/۶۲	تلقی کارفرمایان از قوانین کار به عنوان حمایت یکطرفه از نیروی کار	۹
۳/۴۸	۳/۵۰	۳/۴۴	۳/۵۵	تلقی کارفرمایان از قوانین تامین اجتماعی به عنوان عامل بازدارنده استخدام نیروی کار	۱۰
۲/۷۱	۲/۸۱	۲/۶۱	۲/۶۱	افزایش مشارکت زنان در نیروی کار متخصص	۱۱
۲/۸۷	۲/۹۳	۳/۰۶	۲/۷۲	حمایت خانواده‌ها از دانش‌آموختگان	۱۲
۳/۲۷	۳/۵۲	۳/۳۹	۳/۴۸	توقع دانش‌آموختگان برای اشتغال در مشاغل اداری	۱۳

:

۱	مدرک گرایی در بین جوانان	۱	۲		
۲	زیاده‌خواهی دانش‌آموختگان که حاضر نمی‌شوند به هر شغلی تن در دهند.	۵	۵		
۳	فقدان بنیادهای تولیدی برای به کارگماری دانش‌آموختگان در شهرهای کوچک و روستاها	۲	۱		
۴	اطلاع ناکافی از چگونگی فرصت‌های شغلی	۸	۴		
۵	توسعه نیافتگی فرهنگ تعاونی در کشور	۷	□		
۶	چندشغلی بودن صاحبان تخصص	۴			
۷	ورود مجدد بازنشستگان به بازار کار	۱۱			
۸	رعایت روابط خویشاوندی در به کارگماری افراد	۳			
۹	تلقی کارفرمایان از قوانین کار به عنوان حمایت یکطرفه از نیروی کار	۶			
۱۰	تلقی کارفرمایان از قوانین تامین اجتماعی به عنوان عامل بازدارنده استخدام نیروی کار	۹			
۱۱	افزایش مشارکت زنان در نیروی کار متخصص	۱۳			
۱۲	حمایت خانواده‌ها از دانش‌آموختگان	۱۲			
۱۳	توقع دانش‌آموختگان برای اشتغال در مشاغل اداری حتی در رشته‌هایی نظیر کشاورزی یا دامپزشکی	۱۰			

«کافی نبودن میزان سرمایه‌گذاری در سال‌های گذشته» و «عدم امنیت سرمایه‌گذاری» و «فرار سرمایه‌ها از ایران» حائز بالاترین رتبه در بین عوامل مورد بررسی شده‌اند.

اعتقاد گروه نمونه در مورد این که نوع تکنولوژی مورد استفاده در کشور و سرمایه‌بر بودن نسبت به کاربر بودن آن عامل موثر در بیکاری نیروهای متخصص اگر چه مورد تایید گروه قرار گرفته است، لیکن تاثیر این عامل در بین عوامل ۱۲ گانه، رتبه‌ای بین نه تا یازده را کسب کرده است.

از بین عوامل اقتصادی، عامل «تحریم اقتصادی (آمریکا)» از نظر سه گروه دانشگاهیان، مدیران بنگاه‌ها و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها به عنوان عامل موثر در بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مورد تایید قرار نگرفته و از دید این سه گروه این عامل نمی‌تواند نقش مهمی بر مسئله بیکاری دانش‌آموختگان ایفا نماید. لیکن تاثیر این عامل بر بیکاری فارغ‌التحصیلان به عنوان آخرین عامل موثر از سوی دانش‌آموختگان شاغل در بنگاه‌ها مورد تایید قرار گرفته است (جداول ۷ و ۸).

:

۴/۳۵	۴/۱۲	۴/۱۶	۴/۱۹	سرمایه‌گذاری ناکافی در سال‌های گذشته	۱
۴/۵۳	۴/۰۰	۴/۴۵	۴/۴۲	عدم امنیت سرمایه‌گذاری	۲
۳/۸۵	۳/۷۰	۳/۷۶	۳/۶۸	کمبود نقدینگی صاحبان صنایع	۳
۴/۱۰	۳/۹۱	۴/۰۸	۴/۲۵	ضعف مدیریت بانک‌ها در هدایت اندوخته‌ها به سوی تولید	۴
۳/۳۴	۲/۹۶	۲/۸۸	۲/۹۳	تحریم اقتصادی (آمریکا)	۵
۳/۹۷	۳/۶۲	۴/۱۰	۳/۶۳	دولتی بودن بخش عمده اقتصاد ایران	۶
۴/۴۰	۳/۹۵	۴/۲۴	۴/۲۰	فرار سرمایه‌ها از ایران	۷
۴/۶۰	۴/۲۵	۴/۵۸	۴/۶۱	سودآور بودن مشاغل واسطه‌گری	۸
۴/۱۹	۴/۰۰	۴/۱۴	۴/۲۰	عدم اعتماد مردم به بازار پول و سرمایه	۹
۳/۹۱	۳/۹۲	۳/۷۳	۳/۸۸	بالا بودن نرخ وام‌های بانکی	۱۰
۴/۱۸	۳/۹۵	۴/۲۴	۴/۱۵	انکاز به درآمدهای صادرات مواد نفتی	۱۱
۳/۵۹	۳/۵۲	۳/۶۳	۳/۶۲	استفاده از تکنولوژی سرمایه‌بر	۱۲

۴	۲	۴	۵	سرمایه گذاری ناکافی در سال های گذشته	۱
۲	۳	۲	۲	عدم امنیت سرمایه گذاری	۲
۱۰	۷	۸	۸	کمبود نقدینگی صاحبان صنایع	۳
۷	۶	۷	۳	ضعف مدیریت بانک ها در هدایت اندوخته ها	۴
				به سوی تولید	
۱۲	۱۰	۱۱	۱۱	تحریم اقتصادی (آمریکا)	۵
۸	۸	۶	۹	دولتی بودن بخش عمده اقتصاد ایران	۶
۳	۴	۳	۴	فرار سرمایه ها از ایران	۷
۱	۱	۱	۱	سودآور بودن مشاغل واسطه گری	۸
۵	۳	۵	۴	عدم اعتماد مردم به بازار پول و سرمایه	۹
				(بورس)	
۹	۵	۹	۷	بالا بودن نرخ وام های بانکی	۱۰
۶	۴	۳	۶	اتکا به درآمدهای صادرات مواد نفتی	۱۱
۱۱	۹	۱۰	۱۰	نوع تکنولوژی مورد استفاده (سرمایه بر)	۱۲

۸- عوامل مدیریتی مورد سؤال از گروه نمونه را ۷ عامل تشکیل می دهد. نظرات حاصل از گروه نمونه در مورد تاثیر عوامل مورد سؤال در این گروه در جداول ۹ و ۱۰ آمده است. همان طوری که اطلاعات (جدول ۹) نشان می دهد مقدار کمی محاسبه شده برای میانگین پاسخ های اعلام شده برای کلیه عامل های این گروه بالاتر از مقدار کمی ۴ (ارزش مربوط به گزینه زیاد) می باشد. این امر بیانگر آن است که از دیدگاه گروه نمونه عامل های معرفی شده در این گروه نسبت به عامل های طبقه بندی شده در سایر عوامل (آموزشی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) اهمیت بیشتری بر مسئله بیکاری فارغ التحصیلان داشته و یا نارسایی هایی مربوط به آن بسیار بیشتر و قابل لمس تر از سایر ابعاد است. به هر حال براساس نظرات جمع آوری شده و محاسبات انجام شده از دیدگاه کلیه گروه های نمونه عامل «گماردن اشخاص فاقد صلاحیت در راس امور اجرایی» اولین عامل موثر بر مسئله بیکاری فارغ التحصیلان از این بعد است. پس از این عامل، عوامل «ناکارآمد بودن مدیریت

دولتی در اداره امور اقتصادی» و «ناهماهنگی دستگاههای اجرایی» حائز بالاترین رتبه از نظر عوامل تاثیر گذار بر مسئله دانش آموختگان دانشگاهی شده‌اند.

:

۴/۱۰	۴/۰۶	۴/۱۰	۴/۰۷	تمرکزگرایی در مدیریت کشور	۱
۴/۳۲	۴/۲۰	۴/۴۴	۴/۲۹	ناهماهنگی دستگاههای اجرایی	۲
۴/۲۵	۴/۲۵	۴/۳۴	۴/۲۹	ناکارآمد بودن مدیریت دولتی در اداره امور اقتصادی	۳
۴/۰۶	۴/۰۵	۴/۳۳	۴/۲۸	تشریفات دیوانسالاری	۴
۴/۵۳	۴/۳۶	۴/۵۷	۴/۴۶	گماردن اشخاص فاقد صلاحیت در راس امور اجرایی	۵
۳/۹۰	۳/۸۳	۴/۱۰	۴/۰۶	وجود سازمان‌های موازی در کشور	۶
۴/۱۶	۴/۰۷	۴/۴۱	۴/۲۷	تعدد مراکز تصمیم‌گیری	۷

:

۵	۵	۶	۵	تمرکزگرایی در مدیریت کشور	۱
۲	۳	۲	۲	ناهماهنگی دستگاههای اجرایی	۲
۳	۲	۴	۲	ناکارآمد بودن مدیریت دولتی در اداره امور اقتصادی	۳
۶	۶	۵	۳	تشریفات دیوانسالاری	۴
۱	۱	۱	۱	گماردن اشخاص فاقد صلاحیت در راس امور اجرایی	۵
۷	۷	۶	۶	وجود سازمان‌های موازی در کشور	۶
۴	۴	۳	۴	تعدد مراکز تصمیم‌گیری	۷

۹- بررسی نظرات اعلام شده در مورد عوامل سیاسی موثر بر مسئله بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی نشان می‌دهد که از دیدگاه جامعه نمونه عوامل سیاسی مربوط به شرایط داخل کشور بیشتر از عوامل سیاسی بیرونی دارای تاثیر است. همان طوری که اطلاعات جدول ۱۲ نشان می‌دهد عامل «توسعه نیافتگی سیاسی» از سوی دو گروه دانشگاهیان و مدیران بنگاهها، عامل «فرار مغزها از ایران» از طرف دانش‌آموختگان شاغل در بنگاهها و عامل «کشمکش جناح‌های سیاسی بر سر قدرت» از جانب دانش‌آموختگان دانشگاهها به عنوان اولین و مهمترین عامل سیاسی موثر بر بیکاری فارغ التحصیلان معرفی شده است. این در شرایطی است که از دیدگاه کل گروه نمونه، عوامل بیرونی مانند «روابط پرتنش سیاسی ایران در سطح جهانی» و «کارشکنی ابرقدرت‌ها به ویژه آمریکا» تاثیر و اهمیت کمتری بر مسئله بیکاری فارغ التحصیلان داشته است. نقش آمریکا به عنوان عامل سیاسی موثر بر بحران بیکاری فارغ التحصیلان از سوی چهار گروه فرعی نمونه آخرین رتبه را در بین عوامل سیاسی داشته است.

۱	کشمکش‌های جناح‌های سیاسی بر سر قدرت	۳/۶۸	۳/۶۷	۳/۷۵	۳/۷۳
۲	روابط پرتنش ایران در سطح جهانی	۳/۵۶	۳/۶۰	۳/۲۸	۳/۸۶
۳	کارشکنی ابرقدرت‌ها به ویژه آمریکا	۳/۱۶	۲/۹۵	۳/۰۱	۳/۰۹
۴	فرار مغزها از ایران	۳/۸۶	۳/۶۹	۳/۵۸	۴/۰۲
۵	توسعه نیافتگی سیاسی	۳/۹۵	۳/۸۱	۳/۵۸	۳/۹۶

۱	کشمکش‌های جناح‌های سیاسی بر سر قدرت	۳	۳	۱	۴
۲	روابط پرتنش ایران در سطح جهانی	۴	۴	۳	۳
۳	کارشکنی ابرقدرت‌ها به ویژه آمریکا	۵	۵	۴	۵
۴	فرار مغزها از ایران	۲	۲	۲	۱
۵	توسعه نیافتگی سیاسی	۱	۱	۲	۲

۱۰- سایر عوامل موثر بر بیکاری دانش‌آموختگان که از سوی گروه نمونه در پاسخ به سؤالات باز اعلام گردیده است، ۱۸۱ عامل بود. از بین عوامل اعلام شده، عامل‌های «وجود دانشگاه‌ها یا مراکز آموزش عالی در وزارتخانه‌ها، گسترش کمی دانشگاه پیام نور، بخش غیرانتفاعی و علمی - کاربردی»، نهادینه شدن این تفکر که «بدون زحمت می‌توان صاحب همه چیز شد»، «کمبود سرمایه‌گذاری و نحوه برخورد با سرمایه‌داران»، «اهمیت روابط برای کار گمارده شدن در پست مدیریت به جای تخصص و ضوابط» و «مداخله غیرمسئولانه نیروهای صاحب نفوذ در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی» به ترتیب به عنوان عوامل آموزشی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و سیاسی قابل ذکر است.

راهبردهای پیشنهادی براساس یافته‌های فوق‌الذکر به قرار زیر است:

۱- نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که از دیدگاه گروه نمونه، عامل مدیریت، مهمترین عامل موثر بر بیکاری فارغ‌التحصیلان معرفی گردید. تاثیر این عامل بر مسئله بیکاری را می‌توان در نقش مدیر در اداره امور و مهمتر از آن میزان آمادگی آنان برای تحول، نوآوری و خلاقیت در بخش‌های تحت تصدی خلاصه کرد. لذا پیشنهاد می‌شود در سیاست‌های مربوط به نیروی انسانی به طور اعم و نیروی انسانی متخصص به طور اخص و یا تحولات اداری قبل از همه به سراغ کلید اجرایی این سیاست‌ها یعنی مدیر توجه گردد و اصلاح شیوه گزینش و نصب مدیران از بالاترین رده‌های ممکنه به سمت شایسته سالاری آغاز گردد.

۲- آموزش برحسب ماهیت خود به آینده، یعنی به امور نامعین نظر دارد. وظیفه آماده ساختن مردم برای تغییر، کاری است که انجام دادن آن، به سبب تحولات فوق‌العاده سریعی که در جوامع رخ می‌دهد، بسیار دشوار شده است. دشواری موجود در گشودن درهای آموزشی به سوی جهان کار، دلیل بر وجود چیزی است که گروهی از آن به عنوان شکاف میان آموزش و زندگی یاد می‌کنند و این بازتاب فاصله‌ای است که در بسیاری از زمینه‌ها، میان واقعیت اجتماعی بسیار پیچیده و متحول و نظام آموزشی به وجود آمده است. راهبردهای آموزشی استنتاج شده از این مطالعه برای مقابله با این معضل عبارتند از:

— استفاده از یافته‌های علوم در روش‌های آموزشی

— هماهنگ نمودن دانش اساتید به طور منظم و طبق برنامه با دانش روز به نحوی که بتوانند با تحول دانش پیش بروند و نیازهای تغییرات اجتماعی را پاسخگو باشند.

— بهبود راهنمایی تحصیلی دانشجویان در سطح دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و بهره‌گیری بهینه از منابع انسانی.

— کنترل سمت عرضه نیروی انسانی متخصص از طریق کنترل ورودی‌ها و ارتقاء کیفیت آموزش از یکسو و در سمت تقاضا افزایش رشد اقتصادی، توسعه متوازن بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی و توسعه صنایع کاربر.

۳- نتایج این بررسی نشان داد که دولتی بودن بخش عمده اقتصاد ایران یکی از عوامل موثر بر بیکاری دانش‌آموختگان است. همچنین آمارها نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر بیش از ۸۰ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در بخش عمومی دولت شاغل هستند. از سوی دیگر براساس اهداف و سیاست‌های برنامه سوم در نظر است که از حجم فعالیت‌ها و تصدی‌گری دولت در سال‌های آینده کاسته شود و نیروی کار در استخدام بخش دولتی در پایان برنامه سوم به میزان ۵ درصد تقلیل یابد. این سیاست گذاری موید این مطلب است که برخلاف روند معمول در سال‌های گذشته جذب و استخدام فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در بخش دولتی محدود خواهد شد. از طرفی دیگر تحولات اقتصادی، از جمله جهانی شدن بازار سرمایه و گرایش سرمایه‌ها به فعالیت‌های کوتاه مدت خدماتی به همراه تحولات مدیریت تولید و خدمات بازاریابی از طریق اینترنت، علاوه بر آنکه بازار کار را روز بروز فشرده‌تر و تخصصی‌تر ساخته است شرایط را برای جابه‌جایی وسیع در عرضه نیروی کار بین کشورها مناسب‌تر از گذشته کرده است. لذا تشویق تشکیلات خصوصی در زمینه کاریابی در ایران و خارج از کشور راه‌حل پیشنهادی در این بعد است. مراکز خصوصی می‌توانند با تجهیز خود به تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات در کاریابی داخلی و خارج از کشور نقش مهمی را ایفا نمایند.

۴- فقدان بنیادهای تولیدی در شهرهای کوچک و روستا از دیگر عوامل موثر بر بیکاری فارغ‌التحصیلان بود. اتخاذ و اجرای سیاست‌های تشویقی برای انتقال واحدهای تولیدی مستقر در شهرهای بزرگ که نیاز به بازسازی و توسعه وسیع دارند به مناطق محروم دارای مواد اولیه می‌تواند راهگشا باشد.

۵- وضعیت فعلی صدور موافقت‌های اصولی و اعطای تسهیلات بانکی برای راه‌اندازی واحدهای تولیدی و صنعتی و به تبع ایجاد ظرفیت‌های اشتغال در بسیاری از موارد منجر به ایجاد واحدهای تولیدی متناسب با اهداف اولیه و امکانات و مقتضیات نگردیده و یا چنانچه این امر در مراحل اولیه تحقق یافته است، استمرار نیافته است. به همین دلیل ضروری است

صدور موافقت‌های اصولی با جامعیت بیشتری انجام گردیده و سیاست‌های حمایتی اتخاذ گردد تا مجوزهایی که منجر به ایجاد فضاهای کالبدی برای تولید گردیده‌اند، بازسازی، راه‌اندازی و مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

۶- توسعه نیافتگی فرهنگ تعاونی در کشور یکی از علل تاثیرگذار بر مسئله بیکاری فارغ‌التحصیلان بود. تجارب جهانی توسعه تعاون در کشورهای مختلف موید آن است که هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه، تشکلهای تعاونی در بسیاری از فعالیتهای اقتصادی موفق عمل کرده است و در ایجاد اشتغال، تولید، صادرات و بسط عدالت اجتماعی نقش موثری را ایفا نموده است. لذا توصیه می‌شود که دولت در جریان اصلاح ساختاری خود، در واگذاری فعالیتهای دولتی اولویت را برای بخش تعاونی قائل شود.

۷- ابهامات موجود در قوانین کار از دیگر زمینه‌های موثر بر بیکاری دانش‌آموختگان معرفی شد. در این زمینه، شفاف کردن کلیه قوانین و مقررات مربوط به فعالیتهای اقتصادی و تولیدی در یک مجموعه، به نحوی که سرمایه‌گذارها با مطالعه آن شرایط و حدود و ثغور سرمایه‌گذاری - اعم از نحوه سرمایه‌گذاری، امکانات لازم برای استفاده از تسهیلات بانکی، امور مالیاتی و گمرک، صادرات و واردات کالاها و حدود قوانین مربوط به کار و نیروی کار، شرایط ورود و خروج سرمایه و قوانین حقوقی و قضایی به روشنی برایش تبیین شود، ضروری به نظر می‌رسد. زیرا این امر زمینه‌ای برای افزایش صادرات، رونق سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و افزایش تولید ناخالص ملی خواهد بود.

:

۱- با استفاده از منبع: حیدرعلی هومن (۱۳۷۸)، راهنمای تدوین گزارش پژوهشی، رساله و پایان نامه تحصیلی، پارسا.